

الدرس الرابع : ص. ٤٤ : تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية (اثر كذاري زبان فارسي بر زبان عربي)

يازدهم انسانی

خدای بخشنده، قرآن را آموزش داد، انسان را آفرید، سخن گفتن را به او آموخت.

واژگان فارسی از زمان جاهلیت وارد زبان عربی شد. به دلیل تجارت (بازرگانی) و ورود ایرانیان به عراق و یمن کلمات فارسی بسیاری به عربی منتقل شده است و آن واژگان به بعضی از کالاهایی که نزد عرب ها نبود (عرب ها نداشتند) مانند مُشک و ابریشم مربوط میشود. این انتقال از فارسی به عربی پس از پیوستن ایران به حکومت اسلامی شدت گرفت.

و در دوره ی عباسی هنگامی که ایرانیان به دست افرادی مانند ابومسلم خراسانی و برمکیان در قیام حکومت عباسی شرکت کردند، نفوذ زبان فارسی افزایش یافت. ابن مقفع در این اثرگذاری نقش بزرگی داشت، چراکه تعدادی از کتاب های فارسی مانند کلیله و دمنه را به عربی منتقل کرده است.

و فیروزآبادی واژه نامه ی معروفی به نام "القاموس" (به معنی "واژه نامه") دارد که واژگان بسیاری را به زبان عربی در برمی گیرد. دانشمندان زبان عربی و فارسی دورنماهای این اثرگذاری را در مطالعاتشان آشکار کرده اند. دکتر آلتونجی کتابی را که کلمات فارسی عربی شده را در برمی داشت، تألیف کرده است (نگاشته است) و آن را "معجم المُعربَات الفارسیّة فی اللغة العربیّة" (واژه نامه ی عربی شده های فارسی در زبان عربی) نامیده است.

اما کلمات فارسی که وارد زبان عربی شدند، صداها و وزن هایشان تغییر کرده است (اما صداها و وزن های کلمات فارسی که وارد زبان عربی شدند، تغییر کرده است) و عرب ها آن ها را بر اساس زبان هایشان بر زبان آورده اند. حروف فارسی "گ، چ، پ، ژ" را که در زبانشان یافت نمی شد به حروفی نزدیک به مخرج هایشان تبدیل کرده اند؛ مانند :

پردیس ← فردوس (=از نام های بهشت) مهرگان ← مهرجان (=جشنواره) چادرشَب ← شَرشَف (=ملافه) و از آن ها کلمات دیگری برگرفتند، مانند "یکیزون" (می اندوزند، انباشته می کنند) در آیه ی "و یکنزون الذَّهَبَ و الفِضَّةَ" (و طلا و نقره را می اندوزند.) از کلمه ی فارسی "گنج".

برما واجب است که بدانیم که جابه جایی واژگان بین زبان ها در جهان مسأله ای طبیعیست که آن ها را در شیوه و سخن پربار می سازد و نمی توانیم که زبانی را بدون کلمات وارد شده بیابیم. اثرگذاری زبان فارسی بر زبان عربی در پیش از اسلام بیشتر از اثرگذاری در بعد از اسلام بود، اما پس از پیدایش اسلام به دلیل انگیزه ی مذهبی واژگان عربی در زبان فارسی افزایش یافته اند.

دَقّت : این درس از جهت تاریخی نیز مهم است و در بعضی از سوال ها و تست ها از فرم تاریخ ادبیاتی آن سوال می شود. بنابراین در چند مورد باید بیشتر دقت کرد . لطفاً زیر این کلمات در متن اصلی خط بکشید:

صفحه ی ٤٨ :

- سطر اول : دَخَلت / العصر الجاهلي
- سطر دوم : التجارة / دخول الإيرانيين في العراق و اليمن
- سطر سوم : المسك و الدبیاج / اشتدّ
- سطر چهارم : بعدانضمام ایران إلى الدولة الإسلامية
- سطر پنجم : ازداد / نفوذ / حين شارك الإيرانيون في قيام الدولة العباسية
- سطر ششم : أبي مسلم الخراساني و آل برمك / ابن مقفع
- سطر هفتم : کلیله و دمنه

- سطر هشتم : الفیروزآبادی / معجم / القاموس / مفردات كثيرة باللغة العربية
- سطر دهم : الدكتور آتونجي / الكلمات الفارسية المَعْرَبَة / معجم المعربات الفارسية في اللغة العربية

صفحه ی ۴۹ :

- سطر اول : قَدْتَغَيَّرَتْ أصواتها و أوزانها
- سطر دوم : وفقاً لألسنتهم
- سطر هفتم و هشتم : يجعلها غنيّة في الأسلوب و البيان
- سطر نهم : قبل الإسلام أكثر من تأثيرها بعد الإسلام
- سطر نهم و دهم : از بعد ظهور الإسلام تا پایان جمله

ص. ۵۰ : نکات واژه نامه

- إزدادَ: افزایش یافت، زیادشد؛ حروف اصلی: زی د، ثلاثی مزید(باب افتعال): إزدادَ یزدادُ إزدیاد
- * زادَ: زیاد شد، زیاد کرد. ثلاثی مجرد (هم لازم است، هم متعدی)، از جمله متوجه می شویم که کدام ترجمه مدنظر است.
- إشتدَّ: شدت گرفت، شدید شد؛ حروف اصلی: ش د د، ثلاثی مزید(باب افتعال): إشتدَّ یشتدُّ إشتداد
- إشتقَّ: برگرفت؛ حروف اصلی: ش ق ق، ثلاثی مزید(باب افتعال): إشتقَّ یشتقُّ إشتقاق
- إنضمم: پیوستن؛ حروف اصلی: ض م م، ثلاثی مزید(باب انفعال): إنضمَّ ینضمُّ إنضمام
- بیَّنَ: آشکار کرد، واضح کرد، مشخص کرد؛ حروف اصلی: ب ی ن، ثلاثی مزید(باب تفعیل): بیَّنَ یبینُ بیِّنُ تَبیین
- تَبَّینَ: آشکار شد، واضح شد، مشخص شد؛ حروف اصلی: ب ی ن، ثلاثی مزید(باب تفعّل): تَبَّینَ یَتَبَّینُ تَبَّیْنُ تَبَّیْنُ
- تَغَيَّرَ: دگرگون شد، تغییر کرد؛ حروف اصلی: غ ی ر، ثلاثی مزید(باب تفعّل): تَغَيَّرَ یَتَغَيَّرُ تَغَيَّرَ تَغَيَّرَ
- دَوَّرَ: نقش؛ جمعش: أدوار
- عَيَّرَ: دگرگون کرد، تغییر داد؛ حروف اصلی: غ ی ر، ثلاثی مزید(باب تفعیل): عَيَّرَ یُعَيِّرُ عَيَّرَ تَغَيِّر
- شَارَكَ: شرکت کرد، مشارکت کرد؛ حروف اصلی: ش ر ک، ثلاثی مزید(باب مفاعلة): شَارَكَ یُشَارِكُ شَارِكُ مُشَارَكَة
- مُعَرَّبَ: عربی شده؛ اسم مفعول از باب تفعیل: عَرَّبَ یُعَرِّبُ عَرَّبَ تَعَرَّبَ (عربی کردن) // مُفَرَّسَ: فارسی شده
- مُفَرَّدَات: واژگان، کلمات = کلمات، ألفاظ؛ جمع مُفَرَّدَة
- نَطَّقَ: برزبان آورد؛ ناطق: سخنگو
- نَقَّلَ: منتقل کرد؛ فعل متعدی؛ ناقِل: منتقل کننده، مَنقول: منتقل شده
- إنتَقَلَ: منتقل شد؛ فعل لازم؛ حروف اصلی: ن ق ل، ثلاثی مزید(باب افتعال): إنتَقَلَ ینتقلُ إنتقال
- یَضُمُّ: در بر می گیرد؛ حروف اصلی: ض م م، ثلاثی مجرد: ضَمَّ یضمُّ
- *توجه: ضَمُّ: در برگرفت إنضمَّ: پیوست (با هم فرق دارند)

ص. ۵۰: درك مطلب

- باکمک متن به سؤال های زیر پاسخ بده:
۱. چرا پس از پیدایش اسلام واژگان عربی در زبان فارسی افزایش یافتند؟ بسبب العامل الديني.

- سطر ۲ و ۳: كانت: از افعال ناقصه، ببعض: جارومجرور، البضائع: مضاف إليه (مفرد آن : بضاعة) ، ماكانت: از افعال ناقصه، عند: قيدمكان، العرب: مضاف إليه، كالمسك: جارومجرور، اشتد: فعل، النقل: فاعل

- سطر ۵: في العصر العباسي از داد .. جمله ی فعلیه، في العصر: جارومجرور، العباسي: صفت عصر، از داد: فعل، نفوذ: فاعل، اللغة: مضاف إليه، الفارسیة: صفت، حين: قيد زمان

- سطر ۶: كان: از افعال ناقصه، لابن: جارومجرور، المقفّع: مضاف إليه

- سطر ۸: للفيروزآبادي معجم مشهور.. : جمله ی اسمیه، للفيروزآبادي: جارومجرور، مشهور: صفت، باسم: جارومجرور، القاموس:

مضاف إليه، يَضُمُّ: فعل و صفت (جمله ی وصفیه) برای مُعْجَم، مفردات: مفعول

- سطر ۹ و ۱۰: ألف: فعل، الذُّكُور: فاعل، آلتونجي: بدل از دكتور، كتاباً: مفعول، يَضُمُّ: فعل و صفت برای كتاباً، الكلمات: مفعول، الفارسیة:

صفتِ كلمات، المُعَرَّبَة: صفتِ كلمات، سَمَّى: فعل و صفت برای كتاباً، ه: مفعول اول، معجم: مفعول دوم، المُعَرَّبَات: مضاف إليه، الفارسیة:

صفتِ مُعَرَّبَات /

*توجه: دراسات : جمع سالمِ دراسة : مطالعات دُرُوس: جمع مَكْسَرِ دَرَس این ها باهم فرق دارند.

سَمَّى: دومفعولی است. سَمَّى: باب تفعیل: سَمَّى يُسَمِّي سَمًّا تَسْمِيَةً

ص. ۴۹ :

- سطر ۱: الكلمات: مبتدا، الفارسیة: صفت، قَدَّعِيْرَت: خبر (از نوع فعل)، أصوات: فاعل، ها: مضاف إليه، ها: مضاف إليه

- سطر ۶: الفارسیة: صفت برای كلمة

- سطر ۷: طَبِيعِيّ: صفتِ أمر، يجعل: فعل و صفت برای أمر، ها: مفعول اول، غَنِيَّة: مفعول دوم // يَجْعَلُ: دومفعولی است.

- سطر ۸: كان: از افعال ناقصه

- سطر ۹ و ۱۰: بعدظهورالإسلام از دادت .. جمله فعلیه، بعد: قيدزمان، ظهور: مضاف إليه، الإسلام: مضاف إليه، از دادت: فعل، المفردات:

فاعل، العربيّة: صفت برای مفردات، الفارسیة: صفت برای اللغة، الدّينيّ: صفت برای العامل

والسلام
حقيقي